

نگرشی نو در اصل برائت در پرتو گونه های جدید بزه کاری

کوروش استکی

دانشجویی کارشناسی ارشد حقوق گرایش حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

نام نویسنده مسئول:

کوروش استکی

چکیده

آنچه در این مقاله مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته «تحولات اصل برائت در رابطه با گونه های جدید بزه کاری» می باشد. در واقع تحولی که اصل برائت به واسطه ایجاد بزه های جدید با آن روبروست در مواردی مثل جرایم سازمان یافته به طور خاص و موارد دیگری که به آن در ضمن بحث اشاره خواهد شد را مورد بررسی قرار خواهیم داد. از این رو پس از شناخت معنی و مفهوم لغوی و اصطلاحی اصل برائت و جایگاه آن در حقوق داخلی و حقوق بین الملل در فصول بعدی چرایی تحولات و چالش های تحولات اصل برائت را مورد مطالعه قرار خواهیم داد و در نهایت به شناخت آثار تحولات خواهیم پرداخت. پاسخ به این سوال که طبق الگوهای سیاست جنایی در کشورهای مختلف و اسناد بین المللی فرض بیگناهی یا اماره مجرمیت تقدم دارد.

واژگان کلیدی: اصل برائت- بزهکاری- اسناد بین المللی.

مقدمه

قواعد حقوقی در دوره یا دوره های خاص تاریخی وضع می شوند. بعضی از این قواعد بدون کوچکترین تغییر در طول زمان به عمر و حیات حقوقی خود ادامه می دهند، چرا که مقتضیات زمانی چندان تغییر جدی و محسوسی را با خود به همراه نداشته که این قواعد نیازمند تغییر و دگرگونی باشند. اما مسلماً همه قواعد اینگونه نیستند. از طرفی ثبات قواعد حقوقی یکی از مشخصات این قواعد است که نشان از پابرجایی و تداوم آن در طول زمان دارد. از طرف دیگر این مسئله تعارضی با تحول در طول زمان و تحول به اقتضای تغییر شرایط ندارد. این موضوع را می توان در بسیاری از اصول قواعد به وضوح یافت. قاعده ای که سالیان پیش وضع شده امروزه به تناسب و اقتضای تحول در جامعه کارایی و نفوذ و اعتبار اولیه خود را از دست داده است. یکی از این موارد اصل برائت یا فرض بی گناهی متهم است که در طول تاریخ تحولی بس شگرف را شاهد بوده است. به طور کلی سه مرحله را می توان برای آن بر شمرد. مرحله اول عدم توجه کامل و نقض آشکار حقوق متهم بوده است که در دوره های اول تاریخی شاهد آن بوده ایم. پس از آن یعنی در مرحله دوم به خصوص پس از دوران جنگ جهانی بسیاری قائل به رعایت کامل آن در محاکمات داخلی و بین المللی شده اند. سومین دوره پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ میلادی است و به تبع آن تصویب دو میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و دیگر اسناد جهانی و منطقه ای حقوق بشر را شاهدیم. در این نوشتار این مراحل مورد مذاقه و بررسی قرار خواهند گرفت. اما مهمترین مسئله تحول امروزی در اصل برائت در پرتو گونه های جدید بزه کاری می باشد. امروزه بزه کاری در جامعه اشکال جدیدی را شاهد است. پولشویی، جرایم علیه امنیت ملی، جرایم تروریستی، قاچاق انسان و... گونه های جدید بزه کاری محسوب می شوند که رعایت اصل برائت در مورد آن با تردید جدی روبرو شده است. این موضوع را با تاکید بر گونه های جدید و اینکه چرا اصل برائت در این جرایم رنگ می بازد و اماره مجرمیت جایگزین آن خواهد شد مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- مفهوم، مبانی و آثار اصل برائت

۱-۱- مفهوم اصل برائت

در ترمینولوژی حقوق اصل برائت به این صورت تعریف شده است:

«هر امری که توجه شخص مستلزم نوعی زحمت یا زبان یا سلب آزادی و یا ایجاد مضیقه باشد در صورتی که توجه آن به شخص محل تردید باشد باید آن شخص را از آن کلفت و زحمت بری نمود زیرا بدون دلیل قاطع، تحمیل کلفت و زحمت به اشخاص روانیست. از این معنی به اصل برائت تعبیر می شود.»^۱

در فرهنگ حقوقی آکسفورد در تعریف اصل برائت آمده است: «هر فردی که مرتکب جرایم جزایی شده است بی گناه محسوب می شود مگر آنکه گناه او به اثبات برسد. بنابراین این اصطلاح یعنی برائت از اصول پایه ای است که در حقوق جزا کاربرد دارد»^۲

اما منظور از اصل برائت به معنای مختصر همان فرض بی گناهی متهم است. از این اصل در زبان انگلیسی با عبارت *presumption of innocence* و در زبان فرانسوی با عبارت *presumption de I, innocence* یاد شده است. برائت یعنی اصلی که عدم تکلیف را اظهار می نماید و شخص را از تردید و شک خارج می سازد. دلیل حجیت برائت قاعده عقلی قبح عقاب بلا بیان است. قاعده ای عقلی که زمان و مکان و شرع و قانون تأثیری در آن ندارد. هنگامی که قانون اساسی در اصل ۳۷ مقرر می دارد اصل برائت است و هیچ کس در برابر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح به اثبات برسد این نتیجه حاصل می شود که در امور جزایی متهم و در امور حقوقی مدعی علیه لازم نیست دلیلی بر برائت خود بیاورند زیرا در سایه همین اصل قرار دارند. در همه سیستم های حقوقی این اصل مورد قبول قرار گرفته و بار دلیل را بر دوش مدعی قرار داده است. مدعی کسی است که در مقام اثبات امری بر خلاف اصل برائت اقدام می کند. اعمال این اصل در مسائل حقوقی مورد تردید نیست و تکلیف داریم هر ادعایی را که فاقد دلیل باشد بی مورد تلقی کنیم و هر اتهامی را که فاقد دلیل باشد بی مبنا بشناسیم. کاربرد اصل برائت در محاکمات حقوقی و جزایی به طور ویژه مورد قبول قرار گرفته است. این اصل به نفع هر متهمی اعم از اینکه برای اولین بار مرتکب جرم گردیده یا مشمول تکرار جرم باشد جاری است به طوری که در تمامی طول دادرسی تا زمانی که یک تصمیم قانونی و قطعی مجرمیت بزه کار را به رسمیت نشناخته باشد اصل برائت حاکمیت دارد.^۳

«در موردی که وجود تکلیفی مورد تردید است خواه در برابر عموم یا جامعه باشد یا در برابر شخصی معین اصل این است که تکلیف و دینی وجود ندارد و آنکه مدعی وجود حقی که بر ذمه دیگری است باید دلیل بدهد و گرنه محکوم می شود و آزادی خوانده دعوی از قید

^۱ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۴۹

^۲ Oxford dictionary of law, sixth edition, oxford university press, edited by Elizabeth a, martin, p 424

^۳ مدنی، سید جلال الدین، ادله اثبات دعوی، نشر پایدار، چاپ نهم، پاییز ۱۳۸۵، ص ۳۸

^۴ گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوی، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۹

تعهد و تکلیف مصون می ماند. این اصل در تمام شاخه های حقوق عمومی و خصوصی و بین المللی اعتبار دارد و کاربرد آن را نباید محدود به بخش معینی کرد. به عنوان مثال اگر تردید شود که آیا قانون ارتکاب یا خودداری از عملی را جرم می داند یا باید آن را در زمره کارهای مباح آورد، اصل برائت ایجاب می کند، که کار مورد شبهه مباح فرض شود. همچنین هر گاه اتهام ارتکاب جرمی متوجه کسی شود اصل برائت او را بی گناه فرض می کند تا دلیل قاطعی بر ارتکاب جرم به دادگاه ارائه شود و دادرس را قانع کند. به همین جهت اصل برائت امروزه یکی از ابزارهای مهم حمایت از حقوق بشر و به ویژه متهمان است.^۱ اصل برائت در امور کیفری را می توان از فروعات این قاعده فقهی دانست که هر گاه در مشروع یا حرام بودن عمل یا رفتاری تردید وجود داشته باشد باید رفتار فرد را مشروع تلقی کرد. اما این اصل با اصل برائت در اصول فقه متفاوت است. شاید معادل سازی نامتناسبی که از سوی مترجمین برای ورود این نهاد از حقوق فرانسه به ایران صورت گرفته است در خلط معنی بی تاثیر نباشد چرا که در حقوق سایر کشورها و اسناد بین المللی فرض برائت آمده است و ترجمه آن به اصل برائت شائبه یکی بودن این نهاد با اصل برائت موجود در فقه را موجب گردیده است. به هر حال باید از جمود و وسواس در لفظ اجتناب کرد و در اهمیت این موضوع سخن گفت که امروزه برائت از اصول مشترک حقوقی کشورهای متمدن جهان به شمار می رود و بر اساس آن فرض بر بی گناهی متهم است و مرجع قضایی مکلف به ارائه دلیل و اثبات خلاف آن است و متهم تکلیفی به اثبات بی گناهی خود نداشته و حتی می تواند سکوت کند.^۲

در خصوص قلمرو اجرای اصل برائت بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند که اجرای این اصل فقط محدود به دادرسی می شود. به عبارتی برخی از حقوق دانان عرصه و قلمرو اصل برائت را مورد تشکیک قرار داده اند. از آن جمله می توان به عقیده پرفسور فرانسواکلر اشاره نمود. از دیدگاه این حقوقدان سوئیسی اصل برائت ناظر به قواعد اثبات دعوی کیفری است منظور از آن این است که قبل از محاکمه و رعایت اصول دادرسی نمی توان با متهم همانند محکوم رفتار کرد. به عبارت دیگر، اصل برائت فقط ناظر بر ضرورت رعایت «حق دفاع متهم» در طول رسیدگی از سوی مقامات قضائی است و ضرورت تأمین با اصل برائت ندارد.^۳

دیگران اعتقاد دارند که اجرای اصل برائت شامل همه مراحل دادرسی است و نمی توان اعمال آن را منحصر به مرحله صدور حکم دانسته به اعتقاد دسته اخیر اصل برائت کیفری به معنای استمرار بخشیدن به آثار اصل حفظ کرامت انسان و مصون بودن افراد جامعه از هر گونه تعرض و آثار آن مگر به واسطه وجود یک محکومیت قانونی قطعی و لازم الاجراست.^۴ به عبارت دیگر اصل برائت در این مفهوم بدین معنی است که مجموعه اجزای یک نظام قضایی، اداری و اجتماعی جهت حاکمیت بخشیدن به مصونیت افراد باید با یکدیگر هماهنگ و همگون باشند. در چنین فرضی روح حاکم بر جهت گیریها و عملکردهای واقعی حاکم بر اجزاء یک سیستم اجتماعی و حقوقی، عنایت بخشیدن به فرض بی گناهی متهم را قوت می بخشد، مگر آنکه یک حکم قطعی و لازم الاجراء که مجرمیت فرد را به اثبات برساند جایگزین فرض بی گناهی یا اصل برائت شود.^۵ در پاسخ چنین برداشتی طرفداران اصل برائت اظهار می دارند که از مطالعه حوادث تاریخی ای که منجر به اعلام اصل برائت از سوی انقلابیون فرانسوی در سال ۱۷۸۹ گردید مشخص است که جلوگیری از خودکامه گیهای افراد، مقامات دولتی و حفظ آزادی شهروندان در مقابل قدرت عمومی در اعلام اصل مذکور مدنظر بوده است. چه، بگونه ای که می دانیم، در فرانسه قبل از انقلاب توسل به شاه و درباریان به منظور گسیل داشتن مخالفین خود اعم از سیاسی وعادی به زندان باستیل از طریق فرامین مهور، به ویژه در دوران سلطنت لوئی شانزدهم، بسیار متداول بوده است. در این عصر توسل به فرامین مهور تا آنجا گسترش یافته بود که مالزرب یکی از وزراء لوئی شانزدهم در گزارشی به وی می نویسد: «هر شهروندی که از مختصر اعتبار و حیثیتی برخوردار باشد برای جبران حتی یک ناسزا مراجعه به دستگاه قضائی را دون شان و شخصیت خود تلقی می کند» لذا، انقلابیون فرانسوی پس از تخریب زندان باستیل با اعلام اصل برائت در اعلامیه حقوق بشر، به ویژه بر حفظ آزادی شهروندان و ممانعت از سلب آن، ولو آنکه در مظان اتهام قرار گیرند، نظر داشته اند به علاوه عبارت «... در مواردی که جلب افراد ضروری تلقی شود اعمال هرگونه ناملایمت که برای در اختیار داشتن او لازم نباشد باید به سختی به موجب قانون مجازات شود» که در ماده ۶ و به دنبال اعلام فرض برائت آمده به وضوح حکایت از علاقه و توجه انقلابیون به ضرورت تأمین آزادیهای فردی دارد. تاکید اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد بر اصل برائت پس از جنگ دوم جهانی نیز با توجه به تجربیات تلخ ناشی از بازداشت های دسته جمعی و اردوگاههای کار و مرگ دوران فاشیسم در اروپا به استناد نسخه نازی «جنایت محتمل» به جای مقوله «مظنون به خلاف» بوده است. با توجه به مطالبی که شرح داده شده تردیدی باقی نمی ماند که اصل برائت هم ضرورت تأمین حق دفاع متهمین و هم آزادی آنان قبل از محاکمه را در بر می گیرد.

^۱ کاتوزیان، ناصر، یاس از اثبات و اصل برائت، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۳، ص ۲۵۲ و ۲۵۳

^۲ صادقی، محسن، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۷۴

^۳ سرمست بناب، باقر، اصل برائت در حقوق کیفری، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۶ و ۲۷

^۴ همان منبع

^۵ شاملو، باقر، اصل برائت کیفری در نظام های نوین دادرسی، مندرج در علوم جنایی، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳، ص ۲۸۰

«اصل برائت با معنای گسترده ای که در حقوق ما پیدا کرده است، مبنای بسیاری از اصول دیگر قرار می گیرد، چنان که اصل مباح بودن کارها، اصل صحت قراردادهای، اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای و اصل تکمیلی بودن قوانین از موارد اجرای اصل کلی برائت است»^۱ مطابق اصل اباحه هر گاه در مقام منع یا جواز چیزی یا عملی شک کنیم اصل بر جواز آن است. مطابق اصل مذکور که از اصول عقلی و عملی است انسان حق هر گونه دخل و تصرف در دنیای خارج را دارد مگر آنکه دلیلی بر منع آن وارد شده باشد. اصل عدم که از جمله اصول عقلی است بیان می دارد که فرض بر عدم هر چیزی است مگر آنکه وجودش ثابت گردد. مطابق این اصل امور عدمی قابل اثبات نیستند بلکه وجود اشیاء و امور باید اثبات گردد. بنابراین اصل بر عدم ارتکاب اعمال مجرمانه است مگر آنکه وقوع عملی ممنوع و مجرمانه بودن آن ثابت گردد.^۲

قاعده درء در جرایم و مجازات های حدی جریان می یابد. بر اساس این قاعده اگر در مسیر اثبات حدی از حدود الهی شبهه و ابهام وجود داشته باشد مجازات حد ساقط می شود. بر اساس روش تفسیر قوانین جزایی در فقه جزایی اسلام و حقوق جزای عرفی، موارد مشکوک و مصادیق مورد تردید از شمول مقررات جزایی خارج است. چنانچه اشاره شد به لحاظ شرعی با توجه به قاعده تدروء الحدود بالشبهات تفسیر نصوص جزایی نیز مبتنی بر احتیاط و تخفیف است. در حقوق کیفری نیز قاعده تفسیر مضیق قوانین جزایی که نتیجه آن تفسیر شک به نفع متهم است، مانع از تعمیم حکم ماده مزبور به مصادیق مشکوکی چون ترک واجب می شود.^۳ روایات زیادی به طور مستقیم و غیر مستقیم ناظر به قاعده معروف درء می باشد و علاوه بر آن بسیاری از فقهاء راجع به آن ادعای اجماع کرده اند.

۱-۲- معنی لغوی اصل برائت

اصل ۴ در لغت به معنای ریشه، بیخ، بنیان، بن، تبار و نژاد آمده است.^۵ در زبان انگلیسی اصل به معنای قوانین جامع و اساسی، نظریه و... آمده است.^۶ در خصوص اصل به طور عمده معانی مختلف فقهی ارائه شده است: الف- مدرک قانونی، چیزی اعم از آیه، حدیث، اجماع و عقل ب- به معنای مدرک از نص حدیث ج- کتابی که جامع مقداری خبر باشد. در علم رجال وقتی گفته می شود له اصل، همین معنا را در نظر می گیرند. د- به معنای استصحاب و- به معنی دستور العمل شارع نسبت به افراد در حالات شک و تردید بدون اینکه در دستور مزبور جهت کشف از واقع ملحوظ باشد. اصل به این معنی در مقابل ظاهر و دلیل و اماره به کار می رود. چنانچه گفته اند اصل موقعی حجت است که دلیل نباشد. اصل را به این معنی در حقوق جدید فرض قانونی گفته می شود. به اعتقاد دکتر گرجی اصل دلیلی است که از آنها برای ما ظن و یا گمانی از واقع ایجاد نمی کند ولی باید به آنها عمل کرد. مانند اصل صحت.^۷

به نظر می رسد اصل دو معنا داشته باشد، یکی معنای موسع و دیگری معنای مضیق، در معنای موسع اصل شامل مفهوم قاعده نیز می شود و حکم کلی یا هر ضابطه کلی را در بر می گیرد اما در معنای موسع اصل برائت است که تفاوت آشکار وجود دارد. قاعده آن حکم کلی است که منطبق بر مصادیق خود باشد و مبنای صدور حکم یا فتوی قرار گیرد. مثلاً در حقوق کیفری که موضوع بحث ماست اجبار را رافع مسئولیت می دانند حال مجبور هر کسی می تواند باشد و در هر پرونده ای نیز این قاعده صادق است. اما اصل هر چند یک حکم کلی است اما در واقع تکنیک هایی است که در زمان سردرگمی و شک در اعمال یا عدم اعمال قاعده به کار می رود. مثل اصل برائت در حقوق کیفری. یعنی اگر نمی دانیم که فرد مرتکب جرم شده یا خیر تا حکم جزایی صادر کنیم می گوئیم فرد مرتکب آن عمل نشده است. پس اصل جاری نمی شود مگر اینکه قبل از آن یک قاعده وجود داشته باشد.^۸

^۱ کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد سوم، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۲۶

^۲ باقر شاملو، همان، ص/ ۲۷۱

^۳ محمد جعفر حبیب زاده، «مجازات عمل حرام و تعارض آن با قانونمداری در قانون اساسی»، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۳، ص/ ۱۴

^۴ در زبان انگلیسی معادل principles را برای آن به کار برده اند.

^۵ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ پنجم، ۱۳۷۸، ص ۴۹

^۶ <http://www.merriam-webster.com/netdict/principle>

^۷ گرجی، ابوالقاسم، تقریرات درس فقه، دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸

^۸ میلانی، علی رضا، نگرشی بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۴۶ و ۴۷

امروزه دولت قانونمدار بر شالوده اعتماد به اصول حقوقی بنا گردیده است و از آن برای محدود کردن دولتها در سوء استفاده های احتمالی از قدرت حاکمیت استفاده می شود. از جمله آثار این روند می توان به ارزشمند شدن اصول حقوقی که جلوه های آن را در حقوقی کردن مسائل می توان به وضوح دید.

منظور از اصول حقوقی اصولی طبقه بندی شده می باشد که در مرکز ثقل و هسته اصلی به عنوان مبنای اساسی آن قرار دارد که در رویه یا در تفسیر قوانین حقوقی از آن استفاده می شود. اصول حقوقی کلی، انتزاعی، دائمی و نماینده ارزش های حاکم بر جامعه می باشند. حقوق وسیله ای با هدف تنظیم روابط اجتماعی افراد جامعه است که با تاکید بر خصوصیات همگون و مجرد از موارد خاص و جزئی در برگیرنده احکام عمومی است چرا که حقوق نمی تواند برای هر مسئله جزئی در برگیرنده حکمی جداگانه وضع نماید. اصول حقوقی نیز از همین خاصیت برخوردار می باشند به طوری که برخی اعتقاد دارند کلیت اصول وصف جدایی نشدنی و خصیصه ممتاز آنها در برابر دیگر نهاد های حقوقی است. ادایمی بودن وصف ممیزه اصول از دیگر قواعد حقوقی نیست چرا که قاعده حقوقی نیز به حکم طبیعت خود از دوام برخوردار است اما مبنای دوام هر یک متفاوت از دیگری است. اصول حقوقی از آنجایی که به طور مستقیم از عقل، اخلاق، مذهب و تمدن یک قوم سرچشمه می گیرند و اینها همگی نیروهای سازنده حقوق به شمار می روند و همان طور که تغییر در موارد گفته شده به آسانی صورت نمی گیرد اصول برخاسته از آنها نیز مصون از تغییر هستند. سر و کار علوم طبیعی با فرآیندهای علی عینی است ولی سر و کار حقوق با انتزاعیات است و بدون نفوذ به درون این جهان بنا کردن این شاخه علمی و اساساً علوم اجتماعی میسر نیست و به همین روی اصول حقوقی به عنوان مبنایی و اساس این علم از این وصف کمی یعنی انتزاعی بودن برخوردار می باشند. اما در آخر ذکر این نکته ضروری است که اصول نماینده ارزشهای حاکم بر جامعه به شمار می روند و این ارزشها از چنان نفوذی بهره مند هستند که می توان آنان را ابزار کنترل اجتماعی نامید.

برائت در لغت در معانی زیر آمده است:

وارهیدگی از گناه، عیب و جز آن، تخلص و رهایی از شبهه، بیزاری از چیزی
پاک شدن از عیب و تهمت، تبرئه شدن، خلاص شدن از قرض و دین، دوری، رهایی
بی عیب و نقص تشخیص داده شده، بی گناه تشخیص داده شده
تنزیه کردن، دور بودن از رزایل، از باطل و دروغ و تهمت به دور بودن
رهایی از اتهام، گناه و حيله قانونی، عاری بودن. فقدان تجربه و کاردانی، علم و آگاهی کسی که بی گناه است و...

۲- جایگاه اصل برائت در مقررات ملی و بین المللی

۲-۱- جایگاه اصل برائت در مقررات ملی

قوانین اساسی و عادی به خصوص قوانین کیفری عادی در این مورد توجه می باشند. در میان قوانین اساسی متمم قانون اساسی مشروطه اشاره ای کوتاه به آثار اصل برائت دارد. اما در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور مستقیم و در دیگر اصول آثار اصل برائت انعکاس یافته اند.

۲-۲- قانون اساسی

اصل برائت یا به طور مستقیم یا به واسطه آثاری که بر آن مترتب است در قوانین داخلی یعنی قانون عادی و یا قانون اساسی می توان آن را مورد ارزیابی و تحلیل قرار داد. در ایران نیز با توجه به آنکه بین قوانین اساسی و عادی از حیث تجدید نظر تفاوت وجود دارد و به اصطلاح حقوق دانان قوانین اساسی از این مدل مشهور به قانون خشک یا غیر قابل انعطاف می باشد و در این تقسیم بندی اصالت و برتری به قانون اساسی داده می شود. بر عکس نظامهایی که قانون اساسی شان نرم یا قابل انعطاف است و فرقی بین دو قانون از حیث تجدید نظر وجود ندارد. ذکر این تقسیم بندی از این حیث مفید می باشد که ذکر برخی از اصول در قانون اساسی به آن ارزشی دو چندان می دهد. در قانون اساسی و قانون عادی ایران هر دو اشاراتی به اصل برائت داشته اند. پیش از انقلاب در قانون اساسی مشروطه مصوب ۱۲۸۵ ه. ش ۱۳۲۴ ه. ق هیچ اصلی به حقوق و آزادی های اساسی مردم اشاره ای نکرده بود و این مسئله ضعف آشکار این قانون بود. اما یک سال بعد متمم این قانون معروف به متمم قانون اساسی مشروطه در اصول هشتم الی دوازدهم خود به اصل برائت و آثار آن به طور ضمنی و نه صریح

^۱ http://en.wikipedia.org/wiki/Principle_of_law

^۲ ژرژ دل و کیو، فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۵۴

^۳ صادقی، محسن، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۳۱

^۴ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به، مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات پایدار، چاپ نهم، ۱۳۸۷، ص ۳۶ به بعد

اشاره کرد: از جمله در اصل ۹ متمم قانون اساسی مشروطه می خوانیم: «افراد مردم از حیث جان و مال و مسکن و شرف محفوظ و مصون از هر نوع تعرض هستند و متعرض احدی نمی توان شد، مگر به حکم و ترتیبی که قوانین مملکت مشخص می کنند.» بنابراین در قانون اساسی مشروطه به اصل برائت به طور مستقیم هیچ اشاره ای نشده بود، اما پس از انقلاب اسلامی زمامداران امور به این اصل و همچنین آثار آن توجه و نظر ویژه نشان داده و در اصول مختلف قانون اساسی ۱۳۵۸ که به تأیید مردم رسید بدان پرداختند. ۱ بر اساس اصل سی و دوم ق.ا.ج.ا. «حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد».

بعد از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قاعده کلی در مورد اصل برائت سخن گفته است. این اصل مقرر می دارد:

«اصل برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»
در نظام حقوقی ایران به موجب اصل ۱۵۶ ق.ا.ج.ا. «قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت است».

بر همین مبنا اصل ۱۶۶ قانون اساسی اشعار می دارد:

«دادگاه ها موظف به صدور احکام مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی که بر اساس آن حکم صادر شده گردیده اند.»
بنابراین اصل برائت و آثار آن در قانون اساسی به صراحت مورد تأکید قرار گرفته اند. مواردی مانند بازداشت موقت، توقیف احتیاطی، حق سکوت، حق دسترسی به وکیل و... و همه از آثار اصل برائت می باشند که در اصول مختلف قانون اساسی به آن تصریح گردیده است.

اصل ۳۵ ق.ا.ج.ا. به خوبی مقرر داشته در همه دادگاه ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

به موجب اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی «محاکمات علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

اصل ۱۶۸ ق.ا.ج.ا. مقرر می کند «رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می گیرد...».

این موارد همه نشان از پذیرش اصل برائت به طور صریح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. چنانچه می دانیم آثار اصل نیز به طور واضح و شفاف مورد قبول نویسندگان قانون اساسی قرار گرفته است. در قسمت های بعد آثار اصل به طور مجزا مورد بررسی قرار می گیرد.

۲-۳- قوانین و مقررات عادی

در میان قوانین و مقررات عادی در ایران تعداد کمی به صراحت بر اصل برائت تأکید کرده اند. برای مثال ماده ۱۹۷ قانون آ.د.م. این اصل را بدین صورت مورد تصریح قرار داده است:

«اصل بر برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند در غیر این صورت با سوگند خوانده حکم برائت صادر خواهد شد.»

ماده ۳۵۶ آیین دادرسی مدنی سابق نیز این اصل را با این عبارت مورد نظر قرار داده بود:

«اصل برائت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند و الا مطابق این اصل حکم به برائت مدعی علیه داده خواهد شد.»

ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی هم به طور ضمنی اصل برائت را مورد نظر و توجه قرار داده است. این ماده اشعار می دارد:

«هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هر گاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است.»

^۱ برای اطلاعات بیشتر و بحث از قانون اساسی مشروطه به این کتاب رجوع کنید: راوندی، مرتضی، سیر قانون و دادگستری، نشر چشمه، چاپ اول، ۱۳۶۸.

۳- اصل برائت در رویه قضایی

اصطلاح رویه قضایی اگر بدون قید و به طور مطلق استعمال شود، مجموع آرای قضایی است ولی به معنی خاص خود در جایی به کار می رود که محاکم یا دسته ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و آرای راجع به آن مسئله چندان تکرار شود که بتوان گفت هر گاه آن محاکم با دعوایی روبرو شوند همان تصمیم را خواهند گرفت. در کشور های حقوق نوشته رویه قضایی در چهارچوب های حقوقی تعیین شده از سوی قانونگذار حرکت می کند و قواعد حقوقی ناشی از رویه قضایی دارای همان اعتبار قواعد ساخته شده قانونگذار نیست. آنها قواعدی ضعیف و شکننده هستند که هر لحظه ممکن است به مناسبت رسیدگی به دعوایی جدید مردود یا اصلاح شوند. رویه قضایی ملزم به رعایت قواعدی که ایجاد کرده نیست، حتی بر طبق قاعده کلی نمی تواند برای توجیه آرای که در آینده صادر می کند به آن استناد کند. اگر قضات در آرای جدید خود قاعده ای را اجراء می کنند که قبلا اجراء می کرده اند به سبب آن نیست که قاعده مزبور در اثر اجراء کسب اعتبار کرده است، در واقع این قاعده دارای هیچ گونه جنبه امری نیست.

تغییر رویه قضایی همواره ممکن است بی آنکه قضات مجبور به توجیه آن باشند، البته این تغییر کم اهمیت است، زیرا که چهارچوب ها و حتی اصول حقوقی را تهدید نمی کند، قاعده ناشی از رویه قضایی تا زمانی می ماند و اجرا می شود که قانونی که رویه قضایی بر مبنای آن، قاعده حقوقی را به وجود آورده است، معتبر باشد. در موضوع مورد بحث باید گفت که اصل برائت در این کشورها واجد مبنای مسلم قانونی است و آرای قضایی که بر مبنای اصل برائت صادر شده، با توجه به مبنای قانونی آن صادر شده اند و در واقع تایید قضایی این اصل می باشد.

در همین زمینه در حقوق داخلی به یکی از آرای که در تایید اصل برائت مندرج در اصل ۳۷ قانون اساسی صادر شده است اشاره می نماییم:

رای اصراری شماره ۱۸ هیات عمومی شعب کیفری دیوان عالی کشور مورخ ۷۶/۱۰/۹

«با توجه با اینکه متهم در کلیه مراحل رسیدگی منکر عمدی بودن قتل شده و دلیلی نیز بر عمدی بودن قتل اقامه نشده و اصولا کیفیت شلیک گلوله منتهی به مرگ به طور قطعی معلوم نیست صدور حکم به قصاص نفس بر خلاف مقررات قانون است بنابراین دادنامه شماره ۳۰۴ مورخ ۱۳۷۶/۳/۲۰ شعبه شعبه ۱۶ دادگاه عمومی تهران که متضمن محکومیت «م» به قصاص نفس می باشد به استناد بند ج ماده ۲۴ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب با اکثریت آراء نقض و رسیدگی مجدد به دادگاه هم عرض ارجاع خواهد شد.»^۱

در واقع مضمون این رای اشاره به این معنای اصل برائت است که تمام عناصر متشکله اتهام انتسابی متهم باید بدون هیچ شک و شبهه ای توسط مقام تعقیب اثبات شود.

«اما در کشور های کامن لا وضع به گونه ای دیگر است. کامن لا در واقع بوسیله دادگاه ها، ایجاد شده است و یک حقوق ساخته آرای قضایی بوده است. در شرایط طبیعی است که رویه قضایی در این کشورها از اعتباری متفاوت با آنچه می تواند در کشورهای حقوق نوشته داشته باشد برخوردار شود. اصول و قواعدی که بر مبنای تصمیمات قضایی وضع می شوند باید مورد تبعیت واقع شوند، در غیر این صورت قطعیت حقوق از میان می رود و حتی وجود کامن لا به مخاطره خواهد افتاد.»

بنابراین در کشورها رویه قضایی مبنای مسلم اصل برائت خواهد بود که در اینجا به نمونه ای از آرای قضایی که تحت عنوان رویه قضایی مبنای اصل برائت را تشکیل می دهند اشاره می کنیم:

در انگلستان باید مبنای این اصل را آرای مهم صادره از محاکم عالی این کشور و از جمله رای معروف «وول مینگتون» دانست. به موجب این رای که در سال ۱۹۳۵ صادر شده آمده است که: «در سراسر تار و پود حقوق انگلیس یک رشته طلایی همواره به چشم می خورد آن عبارت است از اینکه هر کس تعقیب متهم را برعهده می گیرد باید اتهام او را اثبات نماید.» رویه قضایی بلژیک نیز طرفدار جدی این اصل می باشد و معتقد است قاعده رومی EXCIPIENDO REVA FIT ACTOR که طبق آن طرف دعوی وقتی در مقام دفاع به امری استناد می نماید باید دلیل آوری کند، فقط در امر مدنی اعتبار دارد و قابل اعمال در دعوی کیفری نمی باشد و در این مواقع حتی اگر متهم استناد به علل رافع مسئولیت نماید به عهده مقام تعقیب است که دلایل فقدان چنین عللی را ارائه نماید.

رویه قضایی بسیاری از کشورها مدافع جدی رعایت اصل برائت در محاکمات جزایی است. مهمترین و جدی ترین وجه قضیه در اثبات مجرمیت افراد از سوی دولت می باشد از این رو این قضیه مورد تایید بسیاری از کشورها در رویه قضایی شان می باشد. برای مثال در انگلستان قاعده مذکور از یک سری احکام استنتاج شده که مهمترین آن حکم Woolmington صادره در سال ۱۹۳۵ میباشد در متن این حکم آمده «در تار و پود حقوق جزای انگلیسی این نتیجه ارزنده همیشه ملاحظه می گردد: کسی که تعقیب متهم را به عهده دارد باید مجرمیت او را اثبات نماید.»

^۱ مجموعه مذاکرات و آراء هیات عمومی دیوان عالی کشور، به کوشش دفتر مطالعات و تحقیقات دیوانعالی کشور، چاپ اول، تهران روزنامه رسمی کشور، ۱۳۷۸، ۵۲۷.

همچنین کانادا رعایت این اصل را به عنوان یک حق مسلم متهم در حقوق کامن لا شناخته و در ماده ۱۱ منشور حقوق و آزادیهای کانادایی به آن تصریح نموده است. در یک حکم دادگاه عالی کشور کانادا با استفاده از منشور ذکر شده چنین اعلام گردیده است: «اصل بی گناهی متهم در ارتکاب جرم است و وظیفه ابراز دلیل به عهده دولت می باشد و اقتضا دارد اولاً مجرمیت متهم خارج از هرگونه شک و تردید محرز شود ثانیاً رسیدگی کیفری به یک روش منطبق با دادرسی منصفانه و قانونی انجام پذیرد.»^۱

این موضوع از دو جهت کلی قابل توجه و بررسی می باشد. از یک طرف دولت به عنوان یک پدیده سیاسی در حقوق اساسی دارای قدرت فراوانی است که بسیاری از اندیشمندان تا به امروزه سعی در تهدید قدرت دولت داشته اند. از سوی دیگر رویه قضایی هدف اصلی خود را باید در رفع ایرادات قانون قرار دهد. شکل کلی تصمیم مکرر قضایی که در موارد مشابه به لحاظ الزام معنوی و یا الزام قانونی مبنای حکم مرجع قضایی قرار گیرد رویه قضایی نامیده می شود.^۲ این اصطلاح یعنی رویه قضایی اگر به طور مطلق استعمال شود مقصود از آن مجموعه آرای قضایی است. ولی به معنی خاص خود در جایی به کار می رود که محاکم با دسته ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی را به کار گیرند.^۳ در مواردی که با اجمال، نقص، سکوت و یا تناقض قوانین روبرو شویم به سراغ رویه قضایی می رویم.^۴ امروزه رویه قضایی سهم بزرگی در شکل گیری حقوق دارد و به عنوان یک ضرورت مطرح است. رویه قضایی در همه رشته های حقوق راه یافته و عمل ناقص قانونگذار را تکمیل می کند.^۵ در حقوق کشور ما نیز رویه قضایی دارای اهمیت زیادی است و در شکل گیری حقوق موضوعه نیز نقش به سزایی داشته است.

در بسیاری موارد قانون ممکن است اصل برائت را به صراحت مورد قبول قرار نداده باشد یا ایراداتی در جهت اجرای آن وجود داشته باشد که با اصل برائت در تعارض قرار گیرد. از این رو هم قضات و سیستم قضایی و اداری باید در این جهت باشد که شاهد حرکت رویه قضایی در راستای تحقق اصل برائت باشیم. در موارد زیادی شاهد آنیم که به عکس با آنکه رویه قانون اصل برائت را به رسمیت شناخته است اما در عمل چالش های جدی برای تحقق آن وجود دارد که این موضوع را می توان در سطوح اداری و قضایی مشاهده کرد.

چنانچه پیشتر اشاره شده هدف اصلی از اعمال و ماهیت وجودی رویه قضایی آن است که ایرادات قانون از بین برده شود. همان طور که مسلم است رویه اولاً قانون نمی تواند همه امور را پیش بینی کند و از طرف دیگر همیشه بسیاری از ایرادات قانون در حین اجراء و عمل مشخص می گردد. قانون تا زمانی که لباس اجراء بر تن خود نبیند نمی توان ادعا کرد که دارای ایراد نیست. اما این وظیفه قضات و دستگاه قضایی در حقوق کیفری تا اندازه زیادی حساس است. چرا که ایجاد رویه های جدید که هم عرض با حقوق کیفری حرکت نماید تا اندازه ای دشوار به نظر می رسد. هر چند مجال نقد بسیاری از مسائل در حیطه حقوق کیفری در این نوشتار نیست و تحقیق در مورد آن زمان دیگری را نیازمند است اما به طور مختصر می توان از حرکت قضات دادگاه های ایران در جهت تحقق اصل برائت در آرای دادگاه ها سخن گفت. برای مثال پذیرش کلی اصل برائت از سوی قضات دادگاه های ایران در غالب جملات و عبارت کلی با استناد به قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری را می توان به وضوح در آراء دادگاه ها مشاهده کرد.

در امور کیفری وفق اصل ۳۷ قانون اساسی «اصل بر برائت متهم است» مگر اینکه دلیل قاطع بر مجرمیت وی موجود باشد. لذا برای مجرم قلمداد نمودن فرد باید دلیل قاطع وجود داشته باشد. این الزام به قطعیت داشتن دلایل در حقوق جزا در حقوق مدنی و تجارت به این شدت وجود ندارد زیرا در امور کیفری با حیثیت، آزادی و چه بسا جان افراد بازی می شود. یک دلیل غیر موجه می تواند فرد را به چوبه دار بفرستد و یا مجرم خطرناکی را از مجازات برهاند.^۶ قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت اصل برائت را بیان نکرده اما آثار این اصل را در موارد مختلفی مورد قبول قرار داده است. اما ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی این اصل را مورد تصریح قرار داده است: «اصل برائت است بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند.»

۴- آثار اصل برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی

۴-۱- تفهیم اتهام

منظور از تفهیم اتهام این است که متهم فوراً از جزییات، ماهیت و مبنای قانونی اتهام مطرح شده علیه وی با زبانی که آن را می فهمد آگاه شود. به این معنا که نه تنها ماهیت اتهام باید مشخص شود بلکه دلایل قانونی و حقیقی که اتهام باید بر مبنای آن مطرح گردد

^۱ <http://www.farzad-moradi.blogfa.com/post-82.aspx>

^۲ مدنی، سید جلال الدین، رویه قضایی، نشر پایدار، چاپ هفتم، پاییز ۱۳۸۶، ص ۳

^۳ کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۷۸، ص ۱۸۹

^۴ همان منبع، ص ۱۸۹ به بعد

^۵ محمد زاده وادقانی، علی رضا، رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۸، سال ۱۳۷۶، ص ۱۵

^۶ دیانی، عبد الرسول، ادله اثبات دعوی در امور مدنی و کیفری، نشر تدریس، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۲۷۹

مشخص شود. حق اطلاع دقیق متهم از زمینه اتهام که در ابتدایی ترین مراحل تعقیب باید صورت گیرد به عنوان اساس تدارک یک دفاع تلقی می شود به این معنا که متهم با آگاهی از اتهام است که می تواند خود را برای دفاع مناسب آماده سازد و میان او و مدعی موازنه برقرار شود.^۱

تفهیم اتهام به لحاظ اهمیت وافی که دارد مورد توجه اعلامیه های حقوق بشر و قوانین اساسی و حتی عادی اکثر کشورها قرار گرفته است. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر بر این حق تصریح کرده اند.

در حقوق داخلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ضرورت تفهیم فوری و کتبی اتهام مطرح شده به متهم تاکید کرده و به کارگیری قید کتباً حکایت از آن دارد که قانونگذار توجه خاصی به حمایت از متهم داشته است. اصل ۳۲ قانون مزبور مقرر می دارد:

«در صورت بازداشت موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود»

در این اصل قانونگذار به شیوه ای که در اسناد بین المللی و منطقه ای مقرر شده اشاره ای صریح به تفهیم اتهام به زبانی که متهم با آن آشنایی دارد نکرده است. لیکن از تفهیم اتهام علاوه بر ابلاغ آن به متهم، ضرورت تبیین و تشریح اتهام به زبانی که متهم با آن آشنایی دارد استنباط می گردد. علاوه بر قانون اساسی ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری نیز با صراحت بیشتری نسبت به قانون سابق مقرر می دارد:

«چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل کتباً به متهم ابلاغ شود» ماده فوق نیز علاوه بر ایراداتی که به اصل ۳۲ قانون اساسی وارد است.

۲-۴- محدود بودن بازداشت موقت

ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ اعلام می دارد: «احدی نمی تواند خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود». همچنین این اعلامیه در ماده ۳ خود اعلام می دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». می دانیم که یکی از لوازم داشتن آزادی و امنیت شخصی، منع بازرسی های بدنی، توقیف و عدم کنترل هویت اشخاص است و منع بازرسی و تجسس در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر این حق به رسمیت شناخته شده است: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد تعرض قرار گیرد. هر کس حق دارد که در مقابل اینگونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قرار گیرد». همچنین ماده ۱۳ اعلامیه اعلام می دارد که: «۱- هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید».

در بند ۱ ماده ۲ سند موسوم به «قواعد و استانداردهای حداقل سازمان ملل در مورد مجازات های غیرحبس» مصوب ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰ میلادی نیز آمده است:

«محدودیت ها و ممنوعیت های مذکور در قواعد این سند در مورد همه افراد اعم از افراد تحت تعقیب، تحت محاکمه و یا محکومان و در کلیه مراحل اجرای عدالت کیفری باید مورد توجه قرار گیرد».

وفق اصل ۶۶ قانون اساسی فرانسه:

«هیچ کس را نمی توان خودسرانه بازداشت کرد. قوه قضاییه پشتیبان آزادی فردی است و احترام به این اصل را مطابق شرایط مقرر در قانون تامین خواهد کرد».

همچنین مطابق ماده ۱-۱۴۴ قانون جدید آیین دادرسی کیفری فرانسه:

«بازداشت موقت با توجه به شدت اعمال انتسابی به شخص تحت بررسی متهم و پیچیدگی تحقیقات ضروری برای کشف حقیقت نمی تواند از یک مدت معقول تجاوز کند».

همچنین وفق اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

«هیچکس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مرجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود»

بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و دستور العمل اجرایی بند ۱۵ مقرر می دارد:

«اصل منع دستگیری و بازداشت موقت افراد ایجاب می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیر شده گان در جریان قرار گیرند».

^۱ امید، جلیل، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۸

همچنین بند ۱ ماده واحده فوق الذکر اشعار می دارد:

«کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و اعمال سلايق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و بازداشتهاي اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.»

۴-۳- حق سکوت و منع شکنجه

یکی دیگر از عناصر حقوق دفاعی متهم حق سکوت یا توانایی متهم در ساکت ماندن در مقابل تحقیقات ضابطین و مقامات قضایی راجع به اتهام وارد شده به وی است. برخورداری از این حق موجب می شود تا متهم بتواند با تمسک به چنین ابزاری از حداقل امکان برای تضمین حقوق دفاعی خویش بهره مند باشد بدون اینکه تکلیفی برای وی به همکاری با مقامات قضایی وجود داشته باشد. متهم در پرتو این حق به عنوان یکی از ابزارهای تأمین حقوق و آزادی های شهروندی می تواند در مقابل سوال های ضابطین و مقامات قضایی ساکت بماند بدون اینکه ملزم به پاسخگویی و افشاء اسرار شخصی خویش آن هم به ضرر خود باشد. در واقع متهم به موجب رعایت حقوق و آزادیهای خویش در پرتو اصل برائت در جایگاهی قرار می گیرد که دادستان ملزم است که کلیه دلایل مثبت جرم علیه وی را جمع آوری کند و تا زمانی که این دلایل جمع آوری نشده و انتساب آن به متهم به اثبات نرسیده است متهم بی گناه فرض شود و مقتضای اصل برائت حفظ آزادی متهم در عدم همکاری وی باشد تا اینکه در بستر آن توازن قوا و تحقق انصاف تضمین گردد. لذا اصل برائت به متهم اجازه می دهد تا هر امری که توجه آن به وی مستلزم محدودیت است در صورتی که توجه آن به وی با تردید مواجه باشد تحمیل عواقب آن تا زمان اثبات ممکن نباشد.^۱

در نظام های حقوقی لیبرال و مبتنی بر دموکراسی فردی نظیر قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و آلمان و دیگر کشورهای اروپایی به صراحت به حق سکوت متهم اشاره و به ضابطین قضایی تکلیف شده هنگام بازداشت متهم حق سکوت وی را بدین ترتیب به وی تفهیم کنند که «متهم حق دارد سکوت کند و هر مطلبی که بیان کند احتمالاً در محکمه علیه وی مستند صدور حکم قرار خواهد گرفت.» ملاحظه می شود؛ قانونگذار فی الواقع غیرمستقیم به متهم توصیه کرده تا زمان دسترسی به وکیل و اطلاع از حقوق قانونی و آثار کیفری اتهام انتسابی بهتر است سکوت کند. فردی که در مظان اتهام ارتکاب یک جرم قرار گرفته است، حق دارد سکوت کند. بنابراین به هیچ شکل و تحت هیچ عنوان نمی توان اعم از تهدید، اکراه یا اجبار یا شکنجه به شکستن سکوت و اقرار، ادای شهادت یا اظهار اطلاع از امری وی را وادار کرد.

عبارت حق سکوت مجموعه ای از حقوقی را که یک سیستم عدالت کیفری اعمال می کند را توصیف می کند. این حقوق عبارتند از:

- ۱- معافیت کلی افراد و گروه ها از اجبار به پاسخگویی به سوالاتی که توسط افراد یا گروه های دیگر مطرح می شود؛
- ۲- معافیت کلی افراد و گروه ها از اجبار به پاسخگویی به سوالاتی که پاسخ آن سوالات ممکن است آنها را در معرض اتهام قرار دهد؛
- ۳- معافیت ویژه کلیه افرادی که توسط پلیس و سایر مقامات رسمی تحت بازجویی قرار می گیرند از پاسخگویی به هر گونه سوالی؛
- ۴- معافیت ویژه کلیه متهمینی که تحت محاکمه قرار گرفته اند از اجبار به ارائه مدارک و همچنین اجبار به پاسخگویی به سوالاتی که در جایگاه متهم در دادگاه از آنها به عمل می آید.^۲

به موجب قسمت ذیل ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۸۷/۶/۲۸ چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع کند امتناع او در صورت مجلس قید می شود. بدین ترتیب حق متهم در سکوت و عدم پاسخ به اتهام انتسابی تلویحاً به رسمیت شناخته شده و به موجب اصل سی و هشتم قانون اساسی که بر اساس آن هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع قلمداد شده و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود. به موجب ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی هر یک از مستخدمان و ماموران قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کند علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود. بنابراین و با توضیح بالا در مرحله تحقیقات مقدماتی که واجد وصف سری و غیرعلنی بوده و نظر به تضيیقات قانونی ایجاد شده در ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره ذیل آن جهت حضور وکیل در این مرحله، بیشترین دغدغه از حیث توسل به زور جهت اخذ اقرار از متهم وجود دارد، باید عنوان کرد که متهم از حق مسلم سکوت برخوردار بوده و توسل به هرگونه اقدامی به هر شکل و تحت هر عنوان که متضمن نقض آن باشد خلاف قانون است.^۳

^۱ صالحی، جواد، سکوت جلوه ای از حقوق دفاعی متهم در دادرسی عادلانه، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۸، ص ۷۰ به بعد

^۲ John Nicolson, the rights to silence-only half right. www.crimbarvic.org.au. 13 january. 2004

^۳ بیات، حسین، حق سکوت متهم، روزنامه سرمایه، ۱۷ تیرماه ۱۳۸۸

۴-۴- حق برخورداری از وکیل و مترجم

امروزه با توجه به اینکه بر ضرورت تساوی سلاح ها بین اصحاب دعوی تاکید می شود و به ویژه اینکه هدف از دادرسی دستیابی به واقعیت امر و نه انجام تشریفات صوری رسیدگی است، به تدریج از سری بودن تحقیقات مقدماتی نسبت به متهم و وکیل مدافع او کاسته شده و به وکیل اجازه حضور در انجام تحقیقات مقدماتی داده می شود.^۱ به عبارت دیگر صدور حکم عادلانه را نمی توان ناشی از رسیدگی دقیق به پرونده ای دانست که به طریق تفتیشی و بدون مداخله وکیل مدافع و دفاع موثر و مفید متهم از خود، تهیه و تمهید شده باشد. به این معنا که بی طرفی قاضی یا قضات دادگاه در رسیدگی به پرونده ای که اصول صحیح دادرسی در آن در مرحله تحقیقات مقدماتی نادیده انگاشته شده باشد برای صدور حکمی مبتنی بر موازن عدالت کافی نیست. به همین جهت حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی و اطلاع از محتویات پرونده برای او بی تردید باید از جمله اصول دادرسی منصفانه و موافق اصل برائت که متهم باید تا زمان اثبات اتهام بی گناه فرض شود و از تضمینهای دفاع در تمام مراحل رسیدگی برخوردار باشد. خصوصاً اگر این نکته مورد توجه واقع شود که در پرونده های کیفری تحقیقات مقدماتی بسیار سرنوشت ساز بوده و حضور وکیل در این مرحله تا چه حد می تواند در تغییر مسیر پرونده به نفع متهم موثر باشد.

در حقوق ایران در آغاز به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی وکیل مدافع در این مرحله از جریان تحقیقات به دور نگه داشته شده بود. در اصلاحات سال ۱۳۳۵ تبصره الحاقی به ماده ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری امکان حضور متهم را در تحقیقات بدون اینکه مشار الیه حق داشته باشد در جریان تحقیق مداخله کند پذیرفت. متأسفانه قانون آیین دادرسی کیفری فعلی تحدیدات بیشتری را نسبت به حق دفاع متهم و برخورداری از معاضدت وکیل در این مرحله قائل شده است. به موجب ماده ۱۲۸ قانون فوق الذکر و تبصره آن در سه مورد اگر قاضی رسیدگی کننده موافقت نکند متهم از داشتن وکیل مدافع محروم خواهد بود:

۱- در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد

۲- در صورتی که حضور غیر متهم موجب فساد گردد

۳- در جرایم علیه امنیت کشور

ملاحظه می شود که تشخیص فساد و محرمانه بودن اینکه جرمی امنیتی است یا خیر با قاضی رسیدگی کننده می باشد. به این ترتیب قاضی تحقیق به سهولت می تواند متهم را به ویژه به بهانه وجود فساد از داشتن وکیل مدافع محروم کند. این محرومیت مخصوصاً در جرایم مهم که اقتضای مجازات های سنگین از قبیل اعدام، صلب، رجم، قطع، حبس دائم و نظایر آن را دارند و تحقیقات مقدماتی پایه و اساس پرونده را تشکیل می دهد با هیچ منطقی سازگار نیست.^۲

حق مزبور که یکی دیگر از تضمین های مهم و موثر در تحقق حق دفاع متهم می باشد در اسناد بین المللی متعدد تصریح شده است. از جمله :

بند ۲ ماده ۱۶ اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ «...محاکمه متهمین باید به زبانی انجام شود که برای متهمین قابل فهم باشد یا آن زبان برای متهم قابل فهم باشد»

پاراگراف آخر ماده ۷۲ قرارداد ژنو راجع به حمایت افراد کشوری در زمان جنگ مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۲ « هر متهمی چه در موقع بازجویی و چه در موقع دادرسی در دادگاه یک نفر مترجم خواهد داشت مگر آنکه خود متهم از داشتن مترجم صرف نظر کند. متهم در هر موقع می تواند مترجم را عزل کند یا تعویض او را خواستار شود»

ماده ۱۰۵ قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹: «اسیر جنگی حق خواهد داشت در صورت لزوم یک نفر مترجم ذی صلاح بخواهد»

قسمت پنجم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر: «برخورداری از مساعدت رایگان یک مترجم در صورتی که قادر به فهم یا صحبت کردن به زبانی که در دادگاه مورد استفاده قرار گیرد، نباشد»

قسمت اول بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، همچنین قسمت ششم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی با عباراتی مشابه این مسئله را مورد تاکید قرار داده اند.

دادگاه اروپایی حقوق بشر در پرونده جی کلاتون^۳ پس از آنکه بر اساس تضمین فوق متهم را از پرداخت کلیه مخارج و هزینه های ترجمه معاف نمود، چنین اظهار نظر نمود که پاراگراف پنجم بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون ترجمه کلیه مدارک و اظهاراتی را که در جریان رسیدگی مطرح می شود و فهم آنها توسط متهم جهت تدارک دفاعی تحقق حق برخورداری از محاکمه منصفانه ضروری است در بر می

^۱ خرابی، منوچهر و دیگران، پانزدهمین کنگره بین المللی حقوق جزا، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، از پاییز ۱۳۷۴ تا زمستان ۱۳۷۵، ص ۴۷۱

^۲ آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، نشر اشراق، چاپ دوم، ص ۲۴۰

^۳ Gea Claton

گیرد. از نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر حق استفاده از ترجمه رایگان فقط به آنچه میان متهم و دادگاه می گذرد مربوط می شود و شامل مذاکرات میان متهم و وکیل وی نمی شود، همچنانکه اظهارات و مدافعات وکیل متهم را در بر نمی گیرد. با این وجود برخی از محاکم ملی بر این باورند که حق یا تضمین مورد بحث باید به گونه ای تفسیر شود که مذاکرات میان یک متهم یا زندانی خارجی را با وکیل وی در بر گیرد.

این واقعیت که وکیل متهم قادر به فهم زبانی که در دادگاه تکلم می شود، می باشد منافاتی با حق برخورداری از مساعدت رایگان مترجم ندارد. همچنین از مضمون عبارت تضمین فوق این نکته استنباط می شود که متهم نمی تواند ادعا نماید زبانی که در دادگاه به آن تکلم می شود غیر از گویش محلی وی می باشد.

در حقوق داخلی ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می نماید: «در صورتی که متهم یا شهود فارسی ندانند، دادگاه دو نفر را برای ترجمه تعیین می کند. مترجم باید مورد وثوق دادگاه باشد و متعهد باشد که همه اظهارات را به طور صحیح و بدون تغییر ترجمه نماید.»

اگرچه با توسل به اصول حقوقی نظیر اصل برائت و اصل تساوی سلاح ها و یا با استفاده از این حربه که ایران اسناد فوق را امضاء و بعضاً تصویب نموده است و در نتیجه همچون قانون لازم الاجراء می باشد، می توان رایگان بودن حق مزبور را استنتاج کرد، اما در هر حال بر قانونگذار است که در اصلاحات بعدی خود به صراحت رایگان بودن حق برخورداری از مترجم را هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در مرحله دادرسی به رسمیت بشناسد.

شکنجه مفهومی بسیار پیچیده است. به طور کلی می توان گفت شکنجه درد و رنج بسیار شدیدی است که از لحاظ شدت از رفتار بی رحمانه، غیر انسانی، و ترذیلی بالاتر است و علاوه بر آن هدفمند نیز می باشد و مرتکب آن مأمور رسمی دولت و یا به هر تقدیر وابسته یا مورد تایید دولت است و یا به هر نحوی دولت درگیر با آن رفتار است. این معنی و مفهوم از شکنجه هم در سطح جهانی مثل اعلامیه و کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه شکنجه و هم در سطح منطقه ای مثل کنوانسیون بین کشورهای آمریکایی جلوگیری و مجازات شکنجه مورد تاکید قرار گرفته است.^۱

امروزه بسیاری از کشورها در سطح داخلی و اسناد بین المللی بسیاری ممنوعیت شکنجه را در قوانین و مقررات خود وارد کرده اند. از آن جمله در سطح داخلی می توان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. در قانون اساسی اصل ۳۸ در این مورد آمده است: «هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار اشخاص به شهادت - اقرار یا سوگند - مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود.»

همچنین قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی و دستور العمل اجرایی بند ۱۵ آن که در سال ۱۳۸۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است در ماده ۹ مقرر می دارد:

«هر گونه شکنجه متهم به منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرار های اخذ شده بدین وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.»

مطابق قواعد و اصول حاکم بر حقوق بین الملل منع شکنجه به عنوان یک قاعده عام در سطح جهانی با خصلت حقوق بشری به رسمیت شناخته شده است. بنابراین تجاوز از این قاعده هیچ توجیهی برای هیچ دولتی نخواهد داشت. علاوه بر این دولت ایران به برخی از اسناد بین المللی که متضمن منع شکنجه می باشد ملحق شده اند و این اسناد نسبت به دولت ایران دارای اثر حقوقی می باشد. در واقع سیر تحول و تکاملی حقوق بین الملل در جهت پاسداری از حقوق بشر موصوف کردن قاعده منع شکنجه به عنوان یکی از قواعد آمره و منشأ تعهدات^۳ نادرست نمی نماید. چرا که این توصیفات برای نمایاندن منزلت خاصی برای برخی از قواعد مربوط به حقوق بین الملل می باشد. به نظر می رسد مهمترین ضابطه تشخیص این اوصاف در یک قاعده حقوق بشری بنیادین بودن، نقض ناپذیری و غیر قابل تعلیق بودن آن می باشد که منع شکنجه از این خصوصیت برخوردار می باشد.^۴

^۱ نیک نفس، مهدی، مفهوم شکنجه، استاندارد واحد یا متفاوت از دیدگاه حقوق بین الملل، مجله حقوقی، شماره ۱۳۸۴، ص ۲۲۷

^۲ در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۰ ریاست محترم قوه قضائیه بخشنامه ای به شماره ۷۱۶۸۳۱ خطاب به مراجع قضایی، انتظامی و اطلاعاتی کشور تحت عنوان حقوق شهروندی صادر و اعلام کردند که در نتیجه مفاد این بخشنامه به صورت قانون در مجلس شورای اسلامی تحت عنوان قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی در تاریخ ۱۳۸۳ به تصویب رسید. اگر چه بندهای پانزده گانه ماده واحده قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی تقریباً تکرار حقوق متهمان پیش بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری است ولی اهمیت موضوع حقوق متهمان را در قالب یکی از مصادیق حقوق شهروندی مورد تاکید قرار داده است.

^۳ Erga omnes

^۴ رنجریان، امیر حسین، جایگاه قاعده منع شکنجه در حقوق بین الملل معاصر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۴، ص ۱۶۷

نتیجه گیری

اصل براءت یا فرض بی گناهی متهم به عنوان یکی از اصول عام حقوقی از حیث تاریخی، فلسفی و حقوقی دارای مبانی و سابقه در حقوق کشورهای متمدن می باشد. مبانی این اصل از جهات گوناگون به طور مفصل در این نوشتار مورد شناسایی قرار گرفت. اگر چه تاریخ پیدایش این مفهوم و اصل مهم حقوقی را نمی توان به طور دقیق تعیین کرد، اما آثار و نشانه هایی از آن همواره در طول تاریخ بشریت وجود داشته است. آنچه را که امروزه حقوقدانان تحت عنوان اصل براءت به رسمیت شناخته اند با مبانی و اصول اولیه آن در طول تاریخ تفاوت های اساسی یافته است به گونه ای که می توان سخن اصل تحول در اصل براءت در دنیای مدرن را به میان آورد. یکی از مهمترین این تحولات مربوط به کاربرد اصل در محاکمات جزایی بین المللی است که حکایت از چهره پراهمیت اصل و اجماع جهانی گسترده و وسیع حاصل شده ناشی از آن دارد.

اما تحول مفهومی اصل براءت نیز پراهمیت است. در واقع شاید تا چند سال گذشته تحت تاثیر اندیشه های حقوق بشری در پرتو نسل اول حقوق بشر این تفکر قوت گرفته بود که اصل براءت باید به صورت عام و مطلق در تمامی دعاوی و در مورد همه مجرمان پذیرفته شود. این اندیشه به خودی خود مجال تحقق کامل نیافت و البته تحولات جامعه مدرن بر این اصل مهم حقوقی نیز بی تاثیر نبوده است. برای مثال می توان از تحول در تکنولوژی و صنعت که خود منجر به تحول در شیوه ارتکاب جرایم گردید به عنوان مهمترین عامل تاثیر گذار بر این مقوله سخن گفت. جهانی شدن نیز تاثیر شگرفی بر ارتکاب جرایم گذاشت به گونه ای که سرعت و شناسایی مجرمین تحت تاثیر این فرآیند با چالش های جدی روبرو شده است.

منابع و مراجع

- [۱] آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد چهارم، نشر اشراق، چاپ دوم
- [۲] آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ بنجم، نشر سمت، ۱۳۸۴
- [۳] اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، مجموعه قانون مجازات اسلامی، تهران، ریاست جمهوری، معاونت پژوهش، اداره چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، ص ۲۹۸. نظریه ۱۱۳۵-۷/۱۲-۵/۱۳۷۰ اداره حقوقی قوه قضائیه
- [۴] ادريس احمد؛ عوض، ديه، ترجمه عليرضا فيض، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷، ج ۲
- [۵] اسعدی، سید حسن، جرایم سازمان یافته فراملی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶
- [۶] امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، قسمت اول، اسناد جهانی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۸۶
- [۷] بکاریا، سزار؛ رساله جرایم و مجازاتها، ترجمه محمد علی اردبیلی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ دوم، ۱۳۷۴
- [۸] تروریسم در پرتو تکوین نظام حقوقی بین المللی، خاستگاه های مبهم سیاسی، استلزامات حقوقی کیفری، نشر موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۴
- [۹] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، نشر گنج دانش، چاپ بنجم، ۱۳۷۸
- [۱۰] زراعت، عباس، اصول آیین دادرسی کیفری، نشر مجد، چاپ اول، ۱۳۸۲
- [۱۱] راوندی، مرتضی، سیر قانون و دادگستری، نشر چشمه، چاپ اول، ۱۳۶۸
- [۱۲] ژرژ دل و کیو، فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۰
- [۱۳] ج هنل، تروریسم شکل جدید جنگ، ترجمه احمد واحیدیان غفاری، نشر سخن گستر، چاپ اول، ۱۳۸۳
- [۱۴] سرمست بناب، باقر، اصل برائت در حقوق کیفری، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۷
- [۱۵] صادقی، محسن، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴
- [۱۶] طباطبایی موتمنی، منوچهر، حقوق اساسی، نشر میزان، چاپ دوازدهم، پاییز ۱۳۸۸
- [۱۷] کلی، جان، تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب، ترجمه محمد راسخ، چاپ اول، سال ۱۳۸۲، نشر طرح نو
- [۱۸] کاتوزیان، ناصر، یاس از اثبات و اصل برائت، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۳
- [۱۹] کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، جلد دوم، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۳
- [۲۰] کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد سوم، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷
- [۲۱] گرجی، ابوالقاسم، تقریرات درس فقه، دوره کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
- [۲۲] گلدوزیان، ایرج، ادله اثبات دعوی، نشر میزان، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۴
- [۲۳] میلانی، علی رضا، نگرشی بر اصل قانونی بودن جرم و مجازات، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸
- [۲۴] عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، نشر امیر کبیر، ۱۳۴۲
- [۲۵] سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، حاکمیت و نهادهای سیاسی، قم، مجتمع آموزش عالی قم،
- [۲۶] گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، نشر دانشگاه تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷
- [۲۷] علوم جنایی، مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری، نشر سمت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳
- [۲۸] میر محمد صادقی، حسین؛ جرائم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶، چاپ اول
- [۲۹] میر محمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین الملل، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۶
- [۳۰] مدنی، سید جلال الدین، ادله اثبات دعوی، نشر بایدار، چاپ نهم، پاییز ۱۳۸۵
- [۳۱] مدنی، سید جلال الدین، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، انتشارات پایدار، چاپ نهم، ۱۳۸۷
- [۳۲] مجیدی، سید محمود، جرایم علیه امنیت، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶
- [۳۳] آزمایش، علی، تروریسم بین المللی، نشریه الهیات و حقوق، زمستان، شماره ۱۰، ۱۳۸۰
- [۳۴] آذر نوش، آذر تاش؛ فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، چاپ چهارم
- [۳۵] اسماعیلی، رشید، چرخه توسعه نیافتگی و استبداد، (آیا مشکل خاورمیانه اسلام است)، نشریه فردوسی، دوره جدید، شماره ۶۳-۶۲ اسفند ۸۶- فروردین ۸۷
- [۳۶] امیدی، جلیل، حقوق بشر در دعاوی کیفری بر اساس اسناد بین المللی و منطقه ای، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹، پاییز ۱۳۷۹

- [۳۷] امید، جلیل، نیکویی، سمیه، تعریف و مبانی علنی بودن دادرسی کیفری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷
- [۳۸] باقری خوزانی، محمد حسین، درآمدی بر چالشهای فراروی دولت جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات اسلامی، سال اول، شماره ۲، بهار ۱۳۸۷
- [۳۹] باقر بور، یوسف علی، تصمیمات قانونی و اساسی در دادرسی و تحقیقات مقدماتی، فصلنامه بصیرت، سال ۱۲، شماره ۳۴، بی تا
- [۴۰] بوریکن، ژاک، بزه کاری سازمان یافته در حقوق کیفری فرانسه، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۲-۲۱، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۷۷
- [۴۱] بب زاده، محمد جعفر، مجازات عمل حرام و تعارض آن با قانونمداری ثر قانون اساسی، نشریه حقوق اساسی، سال دوم، زمستان، شماره ۳، ۱۳۸۳
- [۴۲] بیات، حسین، حق سکوت متهم، روزنامه سرمایه، ۱۷ تیرماه ۱۳۸۸
- [۴۳] پیوندی، غلامرضا، تعریف، اقسام و استثنائات جرم سیاسی، نامه مفید، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۷۹
- [۴۴] جلالی فراهانی، امیر حسین، پول شویی الکترونیکی، نشریه فقه و حقوق، سال اول، بهار ۱۳۸۴
- [۴۵] خزایی، منوچهر و دیگران، پانزدهمین کنگره بین المللی حقوق جزا، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، از پاییز ۱۳۷۴ تا زمستان ۱۳۷۵
- [۴۶] رحمدل، منصور، مال و عواید حاصله از ارتکاب جرم و معکوس شدن بار اثبات، مجله حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲، تابستان ۱۳۸۵
- [۴۷] رحمدل، قانون اساسی ایران و اصل برائت، نشریه حقوق اساسی، سال چهارم، شماره ۶۷، زمستان ۱۳۸۵
- [۴۸] حجتی، سید مهدی؛ قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کفوفی، تهران، میثاق عدالت، ۱۳۸۴
- [۴۹] حیدری، عباسعلی؛ نگاهی به مسؤولیت عاقله در پرداخت دیه، فصلنامه فقه سال دوازدهم، شماره ۴۵، بی تا